

بازخوانی نحوه بروز زنانگی در معماری دوره تیموری با تمرکز بر مؤلفه‌های بصری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد)

مسعود وحدت‌طلب^۱، شهرام حیدری^{۲*}

چکیده

زنان، به گواهی تاریخ، هرگاه فرصت یافته‌اند شایستگی‌های خویش را در حوزه‌های فرهنگی، هنری و معماری به نمایش گذاشته‌اند. زنان بانی، به‌ویژه در دوره تیموری، در ایجاد و گسترش تزئینات و موتیف‌های مرتبط با مفاهیم زنانه نقش پررنگی داشته‌اند. هدف اصلی این پژوهش بازنمایی و خوانشی از معماری ایرانی-اسلامی براساس مؤلفه‌های بصری جنسیت و با محوریت زنانگی در معماری است. بنابراین، به منظور نزدیک شدن به اهداف پژوهش، ابتدا مرور مفاهیم مرتبط با موضوع جنسیت در روند تاریخی آن مورد نیاز بود که در ادامه سنجه‌های جنسیت و زنانگی در نمونه‌موردی انتخابی استخراج شده و مورد بررسی قرار گرفته است. شایان ذکر است که در راستای تعیین هویت جنسیتی شاخص‌های بصری، گریزی به حوزه‌های فلسفی، روان‌شناسی تکاملی، روان‌کاوی، مستندات و شواهد تاریخی و پژوهش‌های متأخرتر در مورد جنسیت اشیا و محصولات صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در مسجد گوهرشاد از دلالت‌های بصری مرتبط با مفاهیم مردانه به نفع زنانگی کاسته شده است که یکی از دلایل مهم این موضوع می‌تواند حضور پررنگ زنان در عرصه سیاست و معماری باشد که سرآمد آن‌ها «گوهرشاداغا» بود.

کلیدواژگان

دوره تیموری، زنانگی، مسجد گوهرشاد مشهد، معماری ایرانی-اسلامی، مؤلفه‌های بصری جنسیت.

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز m.wahdattalab@tabriziau.ac.ir

۲. دانشجوی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز shahram68h@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بازخوانی نحوه بروز زنانگی در آثار معماری تاریخی ایران از دوره ایلخانی تا قاجار» است که با راهنمایی دکتر مسعود وحدت‌طلب در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

بیان مسئله

مسئله جنسیت در معماری، با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای آن، مبحثی گسترده است که از منظر اجتماعی، سیاسی، علمی، هنری و... قابل بررسی است. عقیده بر آن است که ماهیت معماری چیزی بیش از موجودیتی حجم‌دار از طبیعت بی‌جان است. بنابراین، ابژه جنسیت در معماری به‌منزله بخشی از ساختار تکاملی و هویتی آن می‌تواند به کمک جنس مؤلفه‌های بنیادی معماری شامل: فرم، شکل، رنگ و مصالح مطالعه شود. در کنار آن، تعیین جنسیت یک بنای معماری می‌تواند فرایندی باشد که از ادراک فرد، رویدادها، مفاهیم و نمادها، که به‌طور سنتی زنانه یا مردانه در نظر گرفته می‌شود، تأثیر بپذیرد.

مبانی و مفاهیم جنسیتی به اصولی از طراحی برای معماری (به‌ویژه غربی) تبدیل شده‌اند که در زمینه تاریخی خود همواره بر مناسبات اجتماعی و چارچوبی فلسفی استوار بوده‌اند، اما انگاره‌های جنسیتی در معماری ایرانی موضوعی است که جای مطالعه آن در ادبیات این حوزه خالی است. بازنمایی و خوانش جنبه‌های عینی و تاریخی جنسیت با تمرکز بر زنانگی در بستری که همواره با تحلیل و تفاسیری از مفاهیم قدسی همراه بوده است علاوه بر آنکه در کشف زوایای پنهان با نگاهی متفاوت به معماری ایرانی-اسلامی یاری‌رسان است، می‌تواند در مفهوم‌سازی و گسترش دایره زبانی و ادبیات معماری ایرانی نیز ایفای نقش کند. این موضوع که مفاهیم جنسیتی به چه نحوی بر شکل‌گیری هنر و معماری تأثیر می‌گذارد ضرورت پرداختن به مقوله جنسیت و اهمیت آگاهی به آن را آشکار می‌کند. یک پرسش بنیادی در رابطه با کیفیت‌های بصری جنسیت در معماری به این شکل مطرح است که آیا ممکن است فرایندی از ادراک مؤلفه‌های معماری را در یک بنا- در این نوشتار مسجد گوهرشاد مشهد- بازشناخت که به صورت تجربیدی آغاز می‌شود و درنهایت در شخصیت واقعی بنا به‌عنوان غلبه یک جنس بر دیگری نمود پیدا کند؟ به عبارتی، آیا می‌توان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های عینی مرتبط با مقوله جنسیت را در اثر معماری بازشناخت؟ و به دنبال آن مفاهیم، انگیزه‌های پنهان و آشکار شکل‌دهنده این عینیت را بازگو یا حتی تولید کرد؟ در این زمینه، پیش از پرداختن به هر یک از مؤلفه‌های مؤثر در طراحی معماری از منظر مفاهیم مرتبط با جنسیت و زنانگی، تلاش شده است هم‌زمان با ارجاع به سویه‌های شکلی جنسیت و دلالت‌های ضمنی آن در آثار مرتبط هنری و معماری، به زمینه‌های بومی و تاریخی دوره تیموری و مسجد گوهرشاد نیز توجه شود. بنابراین، پرسش‌های تحقیق به طور خلاصه به شرح ذیل مطرح می‌شود:

پرسش‌های تحقیق

۱. زن و مفاهیم زنانه به چه شکلی در دوران تیموری حضور داشته و بروز یافته است؟

۲. آیا بازخوانی آثاری از زنانگی و مفاهیم زنانه در مؤلفه‌های بصری معماری مسجد گوهرشاد مشهود میسر است؟ به عبارتی، مقوله جنسیت و زنانگی چگونه و در چه مؤلفه‌هایی از معماری مسجد گوهرشاد مشهود نمود یافته است؟

روش و راهبردهای انجام تحقیق

روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی و اکتشافی است که روشی بنیادی در مطالعات وابسته به عوامل تاریخی و نمونه موردی است. در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای اطلاعات گردآوری شده است و به منظور نزدیک شدن به اهداف پژوهش، ابتدا ریشه‌های شکل‌گیری مفاهیم جنسیتی و رابطه آن با کیفیت‌های عینی معماری مطالعه شده است و سپس در دوره تیموری پس از بررسی اجمالی زمینه‌های تاریخی، مؤلفه‌های بصری در نمونه موردی انتخابی-که نماینده شاخص دوره تاریخی مورد نظر و منعکس‌کننده اندیشه‌ها و اتفاقات آن دوران است- استخراج و از طریق نمودارها و جدول‌ها، یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

۱. ارتباط سویه‌های شکلی جنسیت در معماری با مسائل مختلف فرهنگی-سیاسی-اجتماعی؛
۲. توجه به مقوله جنسیت و مؤلفه‌های آن به عنوان بخشی از هویت بنا در معماری؛
۳. اهمیت مبحث جنسیت در حوزه‌های مختلف از جمله روان‌کاوی، فلسفه و زیبایی‌شناسی؛
۴. اهمیت مقوله جنسیت و زیبایی‌شناسی در زندگی روزمره و نمود آن در معماری.

اهداف تحقیق

۱. بازنمایی و خوانش جنبه‌های عینی و تاریخی جنسیت با تمرکز بر زنانگی؛
۲. رؤیت‌پذیر کردن مفاهیم زنانه به منظور بازگون‌سازی سلسله‌مراتب معمول ارزش‌ها به‌ویژه انسان‌نگاری مردم‌محور در معماری؛
۳. تقویت جنبه‌هایی از تفکر و طراحی در معماری معاصر؛
۴. مفهوم‌سازی و گسترش دایره زبانی و ادبیات معماری ایرانی-اسلامی.

پیشینه پژوهش

با توجه به جوان بودن دانش میان‌رشته‌ای جنسیت، منابع پژوهشی با رویکرد جنسیتی-به‌ویژه با تمرکز بر جنبه‌های عینی آن در معماری-اندک و به صورت پراکنده است. در اینجا پیشینه

پژوهش به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) منابعی که در آن‌ها می‌توان مباحثی در رابطه با جنبه‌های عینی و بصری جنسیت در هنر و معماری یافت، ب) منابعی که به مسجد گوهرشاد و معماری آن و همچنین نقش و جایگاه زن در دوره تیموری پرداخته‌اند.

الف

۱. کتاب *فضا، قدرت، تمایز* دورته کولمان (۱۳۹۶) به موضوعات متنوعی همچون فضاها، جنسیتی، سنتِ روان‌کاوی، جنسیت در نظریه معماری، سازوکارهای دیداری، بی‌توجهی به جایگاه زنان در حرفه معماری و... پرداخته است. نقطه قوت کتاب، نگاه جامع نویسنده و همچنین تحلیل‌های انتقادی مطرح‌شده در کتاب است [۱۷].

۲. کتاب *شهر و جنسیت* مجموعه‌ای از مقالات است که اولاً ترلیندن گردآوری کرده است. کریستین دورهوفر در مقاله‌ای که در بخش دوم کتاب آورده شده است از نمادهای جنسیتی در معماری سخن می‌گوید. دورهوفر در مقاله خود به مفاهیم ضمنی و پنهان جنسیتی در فلسفه، هندسه و اعداد اشاره می‌کند. وی به پدیده دوگانه‌های متضاد فلسفی اشاره می‌کند که به اصول مهمی از طراحی برای معماری و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است [۴].

۳. آرون بتسکی در کتاب *ساختن جنسیت: مردان، زنان، معماری و ساختار جنسیت* (۱۹۹۵)، با نگاهی منتقدانه به دنیای دست‌ساخته بشر، نتیجه می‌گیرد که ساختار ساختمان‌ها و طرح شهرها تقریباً همیشه از سوی مردان تعیین شده است و در مقابل، فضاها داخلی را با صفاتی چون زیبا، راحت و اغواگر به زنان و ویژگی‌های زنانه نسبت می‌دهد. بتسکی عنوان می‌کند که هرچند دوگانگی‌هایی همچون فضای داخلی/ بیرونی و زن/ مرد اجتناب‌ناپذیرند، ممکن است بتوان فضاها، معمارانه‌ای را بازتولید کرد که انسان‌ها در آن خودشان و جهان پیرامون را دوباره از نو بسازند. بتسکی نگاهی کاملاً آرمان‌گرایانه به این موضوع دارد [۲۶].

ب

۱. شایسته‌فر در مقاله‌ای با عنوان «نقش زنان بانی در گسترش معماری عصر تیموری و صفوی» بر آن است تا با بررسی جایگاه ویژه زنان دوره تیموری و صفوی و تأثیر آن‌ها در حکومت وقت خویش، حضور فعال زنان را در معماری این دوران نشان دهد. اهمیت دیگر این مقاله به سبب آن است که شناخت آثار معماری که در آن زنان بانی و حامی بوده‌اند می‌تواند در بازشناختن مفاهیم زنانه در معماری یاری‌رسان باشد [۱۲].

۲. در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر احساس زنانه بر شکل‌گیری طراحی معماری» به حضور «گوهرشادآغا» به عنوان ادله‌ای بر تأثیر جنسیت او در معماری بنای مسجد گوهرشاد تأکید شده است و به صورت مختصر به تأثیر حضور زن بر روح معماری این بنا پرداخته شده است [۲۰].

۳. زمرشیدی در پژوهشی با عنوان «مسجد بی نظیر جامع گوهرشاد و هنرهای قدسی معماری» عظمت، شکوه، زیبایی و جزئیات مسجد گوهرشاد را با زبانی تخصصی و درعین حال جذاب به نمایش گذاشته است [۸].

مقدمه

معماری هر قوم، نژاد، فرهنگ و تمدنی در وهله اول به جهان بینی آن تمدن متکی است و نیز از پیچیده ترین هنرهاست [۱، ص ۱۱۱]. تیمور و خانواده اش حرکت های جدیدی در معماری پدید آوردند. معماری دوره تیموری نیز بر پایه ساختارها و ساختمان های دوره سلجوقی استوار است؛ با این تفاوت که به تزئین بناها بسیار توجه می شد [۱۸، ص ۴۸۷]. در تاریخ تیموریان، نمونه هایی از نفوذ زنان درباری را در سیاست و در بعضی دیگر از امور می بینیم. بین این زنان می توان از سارا ملک خانم و تومان آغا، همسران تیمور، و شاد ملک، همسر سلطان خلیل و گوهرشاد آغا، همسر شاهرخ و فیروزه بیگم، مادر و خدیجه بیگم زن سلطان حسین باقرا نام برد [۲۳، ص ۲۰۹]. تیمور اعضای خاندانش، به ویژه همسرانش، را برای ساخت بناهای تاریخی تشویق می کرد. سارا ملک خانم مدرسه ای مقابل مسجد جامع تیمور در سمرقند ساخت. همسر دیگر او، تومان آغا، در شاه زند خانقاهی بنا نهاد. برخی دیگر از همسران و خواهرانش نیز در آن مکان مقبره هایی ساختند [۱۱، ص ۲۹-۳۰]. این حجم از ورود زنان به حیطة سیاست و معماری می تواند به منزله یکی از شاخص های قوی اثرگذار در تولید مفاهیم زنانه در نظر گرفته شود که توجه بسیار به رنگ و تزئین در بنا، ظرافت و زیبایی- آن گونه که در ادامه نیز خواهد آمد- نکته کانونی و مهم ترین نمود عینی آن مفاهیم بود.

نقش زن در دوره تیموری و تأثیر آن بر معماری آن دوران

جایگاه زن در دوره تیموری

در عصر مغول و تیموریان، به علت خصلت قبیله ای، زنان از حقوق و امتیازات بیشتری برخوردار بودند. زنان نزد جامعه خود احترامی خاص داشتند. زن و مرد از حقوق و امتیازات مساوی برخوردار بودند. زنان در اداره امور خانواده، معیشت و مسائل گوناگون، از جمله مشارکت در جنگ، همراه و همکار مردان قبیله و پایه پای آنان در تلاش و تکاپو بودند. ابن بطوطه، که در فاصله انقراض ایلخانان و روی کار آمدن تیموریان از جوامع آنان دیدن کرده است، می نویسد: «مقام زن پیش ترک ها و مغول ها خیلی بلند و محترم است» [۲۱]. زنان در هر مرتبه و طبقه ای از طبقات جامعه نزد مغولان و تیموریان قابل مقایسه با هیچ یک از ادوار دیگر نیست [۲۳، ص ۲۰۹]. در چنین شرایطی، انعکاس چنین جایگاه و منزلت اجتماعی زنان در هنر و

معماری اجتناب‌ناپذیر است که نتیجه آن هم‌نوايي تزئینات، ظرافت و رنگ با ساختار معماری است. شایان ذکر است که تا قبل از دوره تیموری اغلب یا همه تزئینات بخشی از ساختار بود و به صورت هم‌زمان کار می‌شد. در دوره تیموری، تزئینات هویتی مستقل یافت و به صورت جدا در حالتی پیش‌ساخته به بنا اضافه می‌شد.

«گوهرشادآغا» و آثار معماری تحت حمایت او

از میان همه زنان فعال در عرصه هنر معماری، نام گوهرشادآغا یا گوهرشادبیگم جایگاهی خاص را به خود اختصاص داده است [۱۴، ص ۷۳]. گوهرشاد زنی هوشیار، باتدبیر و علم‌دوست بود. گفته می‌شود که این زن دانشمند در امور دولتی و حکومتی به شاهرخ‌میرزا مشورت‌های سازنده‌ای می‌داد و در امور اجرایی سهم فعالانه‌ای داشت. او بعد از ازدواج با شاهرخ تیموری ملکه ایران شد. در دوران حیات خود (۷۸۰-۸۶۱ ه.ق)، گروهی از معماران و هنرمندان را گرد خود جمع کرده بود. از شاخص‌ترین این افراد می‌توان به قوام‌الدین شیرازی اشاره کرد. گوهرشاد به کمک قوام‌الدین و سایر هنرمندان بناهای باشکوهی را چون مسجد جامع، مدرسه و خانقاه هرات و مسجد گوهرشاد مشهد ساخت. بعد از این شرح کوتاه از نقش این زن می‌توان دریافت اگر بارتولد او را حاکم واقعی قلمرو سلطنتی نامیده چندان بیراه نگفته است. مسجد گوهرشاد مشهد در سال ۸۲۱ هجری به دستور و هزینه مالی گوهرشاد احداث شد و جزء ملحقات بناهای آستان قدس رضوی است. مجموعه مسجد جامع گوهرشاد مشهد علاوه بر سبک معماری، کاشی‌کاری‌ها و کتیبه‌هایی فوق‌العاده زیبا و جالب دارد. به همین علت، یکی از شاهکارهای معماری محسوب می‌شود. حمایت این‌چنینی که بناهای گوهرشاد بناهای معاصران مرد را تحت‌الشعاع قرار دهد آن قدر کمیاب است که بررسی ویژه‌ای را از جایگاه وی می‌طلبد [۲۱]. شایان ذکر است گوهرشاد مستقیماً در ساخت این بناها نظارت داشته است [۱۵، ص ۶۹]. بنابراین در مطالعه تاریخ معماری ایران با نام زنانی مواجهیم که تأثیرگذار و بانیان بناهای مهمی از معماری ما بوده‌اند [۲۱]. این زنان کارفرمایانی مدبر و بانیانی باهمت بودند که در طول زندگی خود آثار باشکوهی برپا کردند که امروزه تعدادی از آنها جزء یادمان‌های مهم معماری دوران اسلامی محسوب می‌شود. شاید ظرافت و زیبایی معماری این دوران [تیموری]، در احساسات ظریف و ذوق موزون‌پسند زنانی ریشه دارد که خود بانی حمایت از این شیوه معماری در ایران شدند. گوهرشاد در مشهد و هرات حاصل حمایت زنان در آن عصر است [۱۲].

شکوفایی هنر تیموری

سبکی جدید در معماری با حمایت شاهرخ و همسرش، گوهرشاد، در شرق ایران رواج یافت

[۱۶، ص ۳۲۳]. در واقع، شکوفایی هنر تیموری در عصر شاهرخ اتفاق افتاد [۲۳، ص ۱۲۹]. چندان از بازماندگان تیموری نیز در هنرپروری شهره بودند. بعضی از آنها، مثل گوهرشاد همسر وی [شاهرخ]، به حمایت از آثار معماری پرداختند و برخی نوادگان او از جمله اسکندر سلطان، ابراهیم سلطان و بایسنقر علاقه زیادی به خطاطی و کتاب‌آرایی نشان دادند [۹، ص ۳۷]. در کنار تغییر و دگرگونی در عرصه مذهب، عوامل دیگری همچون ارزش و مرتبت بسیار زن در میان حکومت‌ها و قبایل ترکی- مغولی، تمایلات طبیعت‌گرایانه آنها، حضور پررنگ زنان در عرصه سیاست، هنر و معماری و نیز ورود سیل‌انگاره‌های آسیای شرقی و طرح‌های چینی‌الاصل و... همگی باعث پیشرفت در استفاده از هنرهای منعطف و روان با محوریت اسلیمی در مقابل گره‌های هندسی خشک و استفاده بیشتر از خط ثلث در مقابل خطوط کوفی بنایی و تغییرات دیگری از این دست در دوره تیموری شد که به عقیده افرادی چون گلرو نجیب‌اوغلو و آرتور ایپهام پوپ این دگرگونی در جوهر تزئینات اسلامی به نوعی باعث نجات آن از رخوت نیز شد که هرتسفلد و کونل آن را مدیون قدرت خلاقانه در باروری انگاره‌های تازه می‌دانند [۳؛ ۶؛ ۲۴]. این موضوع که در دورانی مربوط به ۶۰۰-۷۰۰ سال پیش مانعی بر سر فعالیت زنان در حیطه معماری نبوده است، در آخر به گونه‌ای ماندگار از معماری انجامید که در آن ظرافت و زیبایی به نهایت خویش رسید.

زنانگی و مفاهیم زنانه در معماری مسجد گوهرشاد

پس از بررسی نقش زن در دوره تیموری در بخش دوم از پژوهش به بررسی مؤلفه‌های عینی معماری مسجد گوهرشاد مشهود، به نحوی که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، می‌پردازیم.



نمودار ۱. مؤلفه‌های معماری مورد بررسی در مسجد گوهرشاد مشهود

مؤلفه محتوایی - مفهومی؛ رابطه سردر ورودی و منار

اروپاییان و غربی‌ها از دهه‌ها و شاید سده‌های قبل به‌خصوص پس از ظهور افرادی مانند فروید و یونگ، به سویه‌های شکلی جنسیت توجه بیشتری داشته‌اند؛ تا جایی که در گذشته برای ابلیسک‌ها^۱ و در دنیای جدید برای آسمان‌خراش‌ها زبانی مردانه قائل شدند و آن را به نوعی نمادپردازی اقتدار و صلابت می‌پنداشتند.

مامفورد^۲ به سنت رایج در تاریخ معماری غرب اشاره می‌کند؛ جایی همچون شهرهای رم و واشنگتن که در آن‌ها از ابلیسک‌ها با اشتیاق فراوان برای نشانه‌گذاری مکان‌های تمرکز قدرت (مردانه) استفاده شده و بر محورهای دید مهم تأکید شده است [۱۷، ص ۱۳۷]. در اروپا، ما بارها و بارها با این انتساب‌ها روبه‌رو می‌شویم؛ مثلاً، در آستانه سده هجدهم طی دوران روشنگری و در معماری مدرن سده بیستم نیز این‌گونه توصیف‌ها ادامه پیدا می‌کند. نقاش هلندی، پیت موندریان (۱۸۷۲-۱۹۴۴)، بر این باور بود که مرد بازنمود معنویت، حالت عمودی و اندیشه مجرد و زن بازنمود مادیت، حالت افقی و نفسانیت است [۴، ص ۱۱۹]. بتسکی اندیشه‌های مشابهی را در کتابش با عنوان جنسیت در معماری دنبال می‌کند. او می‌نویسد کاملاً طبیعی است که زنان در شانزلیزه پاریس احساس خوشایندی نداشته باشند، زیرا معماری این خیابان را به تمامی مردان برای نمایش قدرت‌مندی‌شان ساخته‌اند و انعکاس‌دهنده اجزا و تناسبات پیکر مردانه است. به عقیده بتسکی، ترکیب انسان‌انگارانه محوطه موزه لوور با عناصر متقارن و هندسی‌اش و نمادهای عمودی به مردی مسلح اشاره دارد [۱۷، ص ۱۲۸]. در معماری گذشته ایران نیز، منار به‌عنوان عنصری عمودی، جدای از عملکرد نشانه‌ای و مذهبی خود، می‌تواند خوانشی مشابه آنچه از ابلیسک‌ها و آسمان‌خراش‌ها عنوان شد در نمادپردازی قدرت و زبان مردانه داشته باشد.

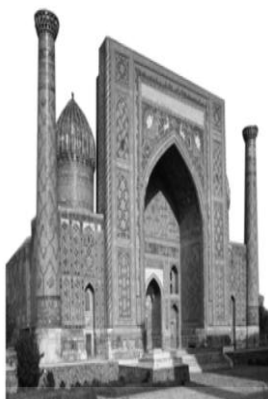
مهم‌ترین ویژگی‌های معماری تیموری توجه به ساختن ورودی‌هایی با دو دروازه است که عظمت آن از دو مناره بلند برجی شکل بیشتر است [۲، ص ۲۰۹]. به مرور زمان و در مقایسه با دوره‌های پیشین، به‌ویژه دوره سلجوقی از آن عظمت، زمختی و ستبری منار به‌عنوان عنصری تکینه و با تفاسیری مردانه در دوران گذشته کاسته شد و مرکزیت توجه از منار به ورودی‌های بنا انتقال یافت. بنابراین، عظمت یافتن ورودی‌ها و به دنبال آن کاستن از مرکزیت توجه به منار در دوره تیموری می‌تواند به کاستن از دلالت‌های مردانه به نفع زنانگی خوانده شود (تصاویر ۱، ۲ و ۳).

زمانی که از حضور پررنگ زنان در عرصه سیاست، هنر و معماری در دوره تیموری آگاهی می‌یابیم، بیش از پیش نیز بر این موضوع واقف می‌شویم. به عقیده نگارندگان، معماران و بانیان دوره‌های گذشته ایران اسلامی که چنین شاهکارهایی آفریده‌اند، از چنان درایت و اندیشه‌ای برخوردار بوده‌اند که بنا بر مقتضیات زمانی و مکانی، برخوردهای متناسب و متعادلی از سویه‌های بصری- حتی در رابطه با مقوله جنسیت- نیز ارائه دهند.

1. Obelisks
2. Lewis Mumford



تصویر ۳. مدرسه طلاکاری،
سمرقند [۵]



تصویر ۲. مدرسه شیردر، سمرقند
[۵]



تصویر ۱. مسجد گوهرشاد،
مشهد [۳۵]

تصاویر ۱، ۲ و ۳. عظمت یافتن ورودی بنا در دوره تیموری

مؤلفه فرم

۱. ایوان مقصوره به اصطلاح سروته باریک

با مراجعه به تاریخ تئوری معماری، مشاهده می‌شود که همواره بدن مرد است که به‌عنوان مدل یا استعاره معماری به کار گرفته شده است. این مدل، به مجموعه‌ای از تقابل‌های دوگانه منجر شده است که همچنان بر تئوری معماری تا امروز مسلط است. با توجه به دوگانگی دکارتی ذهن/ بدن، مفاهیم فضایی به دو بخش مذکر و مؤنث تقسیم می‌شود که به جفت مفهوم فضایی مانند داخلی/ بیرونی یا ساختار/ تزئین منجر می‌شود؛ تا جایی که معماری به‌منزله یک حرفه مردانه و طراحی داخلی به‌منزله حرفه‌ای زنانه شناخته می‌شود [۲۹]. نظریه‌های فروید هم موجب ظهور عصر تازه‌ای در خوانش معماری بر مبنای جنسیت شدند. به‌ویژه آن نظریاتی که فرضیات قرن هجدهمی همچون تلقی مردانه از فضاهای عمومی و برداشت زنانه از فضاهای درونی و خصوصی را تأیید می‌کردند [۱۷، ص ۱۲۸]. براساس نگاه فروید یا یونگ می‌توان گفت تأکید بر فضاهای داخلی موجب بازتولید ارزش‌ها یا کهن‌الگوهای زنانه می‌شود [۱۷، ص ۱۹۸]. اریش نویمان^۱ از دیگر روان‌شناسانی است که برداشتی زنانه از فضاهای توخالی دارد و از پیروان سنت یونگ در روان‌شناسی است. او انگاره کهن‌الگوی مادر را با «گودی، عمق، دره، دریاچه،

1. Erich Neumann

بستر دریاچه، چشمه، دریا، برکه، زمین، دنیای اموات، غار، خانه و شهر» مترادف می‌داند [۱۷]، ص ۱۳۰. به هر روی، مبانی و مفاهیم جنسیتی به اصولی از طراحی برای معماری و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده‌اند که در زمینه تاریخی خود همواره بر مناسبات اجتماعی و چارچوبی فلسفی استوار بوده‌اند [۴].

ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد با دهانه‌ای به عرض ۱۶/۱ متر و ایوانی به عمق ۳۴/۵ متر بین همه ایوان‌های آثار معماری ایران و حتی جهان اسلام یک استثناست. دلیل این امر غیرقائم بودن دو دیوار طولی آن در حالت سر و ته باریک است. به این معنا که دهانه پایین ایوان ۱/۵ متر کمتر از فاصله دهانه بالای ایوان در پاتاق است. غیرشاقولی بودن دیوارهای طولی ایوان به میزان ۷۵ سانتی‌متر از هر طرف سبب چشم‌اندازی هرچه زیباتر و سرشار از ارزش‌های هنری این ایوان شده است [۸]. این خلاقیت در ایوان مقصوره علاوه بر آنکه آن را به‌عنوان عنصری شاخص معرفی می‌کند و از مرز میان درون و بیرون می‌کاهد، می‌تواند به دست‌ودلبازی‌های مادرانه و زنانه در به نمایش گذاشتن هرچه بیشتر زیبایی‌های درونی نیز تعبیر شود. عمق زیاد ایوان به کمک مناره‌های کناری تا حدودی تعدیل شده است. منار می‌توانست که به دلیل کاستن از دلالت‌های مردانه از روی زمین آغاز نشود و شروع آن از بام ایوان یا کناره‌های آن باشد (به رسم رایج دوره تیموری)، اما به نظر نگارندگان علاوه بر کارکرد پشتوانه‌ای آن برای ایوان مقصوره به‌اصطلاح سروته باریک، بدنه منار در اینجا فرصتی برای به نمایش گذاشتن هرچه بیشتر زیبایی و کاشی‌کاری‌ها به کمک تزئینات، بنابر توصیه مستقیم گوهرشادآغا در شاخص شدن نماسازی آن بوده است.

ایوان از سوی صحن با تزئینات ممتاز کاشی و کتیبه‌های نفیس و با دو گلدسته شکل تزئین و نماسازی شده است. بانی و خیر مسجد [گوهرشاد آغا] می‌گوید: «بنای مسجد بایستی به گونه‌ای ساخته شود تا دنیا دنیااست بر قامت خود استوار بوده و نماسازی آن از هنرهای شاخص معماری اسلامی و خدایی باشد که تاکنون در هیچ بنا و مسجدی به کار گرفته نشده باشد.» گفته شده که گوهرشاد آغا به طور دائم با مشاوران خود از مراحل ساخت مسجد بازدید می‌کرد و بر اجرا و ساخت این اثر بزرگ جهانی نظارت کامل داشت [۸].



تصویر ۵. نمای دیگر از ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد مشهد [۳۵]



تصویر ۴. ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد مشهد [۳۵]

۲. قوس نرم و فرم خلاقانه گنبد شکم‌دار (آوگون)

گنبد مسجد گوهرشاد، که روی ایوان مقصوره قرار گرفته، از کاشی به رنگ فیروزه‌ای ساخته شده و ارتفاع این گنبد ۴۰ متر و قطر آن ۱۰ متر است [۱۳]. قسمت اصلی گنبد با قوسی نرم و جالب آغاز می‌شود. سپس به صورت نیم‌کره‌ای درمی‌آید که قطب کشیده‌ای دارد و شکلی بدیع و زیبا را پدید می‌آورد [۲۲، ص ۴].

درباره معماری ایرانی-اسلامی می‌توان گفت که هیچ فرمی به اندازه گنبد مصداق سیالیت و انعطاف در آن نیست؛ به‌ویژه در نوع آوگون یا شکم‌دار آن که در مسجد گوهرشاد مشهد اتفاق افتاد. بنایی که بانی آن یک زن بود. ظرافت می‌تواند مؤلفه‌ای مؤثر در تعیین درجه زنانگی در معماری باشد، اما ساختمان «زنانه» لازم نیست که حتماً ظریف باشد. به عبارتی «زنانگی» ساختمان در فرم‌های منحنی‌وار و سیال آن نیز می‌تواند بیان شود. فضاهای نامتعیین، انعطاف‌پذیری، سیالیت و دیگر مفاهیم مشابه در اندیشه نظریه‌پردازان پست‌مدرن همچون هومی بابا و نظریه‌پردازان فمینیست مانند الن سیسکو و لوس ایریگاری با زنانگی پیوند خورده‌اند.

برانگیختن سوژکتیویته زنانه، که بتوان آن را برحسب خودش بازنمایی کرد و نه صرفاً به مثابه غیابی در ساحت نمادین، جزئی از فلسفه و اندیشه ایریگاری است. اگرچه فلسفه ایریگاری پیچیدگی‌ها و ابهام خاص خود را دارد، همچنان به نظر او همیشه تناقض‌های کوچکی در گفتمان‌ها وجود دارند که بر قدرت تفکر زنانه صحنه می‌گذارند. به نظر او، منطق زنانه به گوهرهای مبهم، نامعلوم، سیال و دارای معانی متعدد دلالت می‌کند؛ درحالی‌که تفکر مردانه بر

اصول قطعی و ساده استوار است [۱۷، ص ۱۵۶]. در ادامه، در رابطه با اهمیت مؤلفه‌های بصری مرتبط با جنسیت و در جهت تأیید هویت جنسیتی شاخص‌های بصری به نظر می‌رسد گریزی به پژوهش‌هایی که در چند سال اخیر در مورد جنسیت اشیا و محصولات صورت گرفته‌اند و به نسبت رشته‌های جوان‌تری نیز هستند می‌تواند راهگشا باشد.

آدشورن و لی (۲۰۰۲) در مقاله‌ای درباره جنسیت اشیا یادآور می‌شوند که فرم‌های گرد با رنگ‌های ملایم برای زنان جذاب‌ترند، اما مردان توجه بیشتری به رنگ‌های تیره و خطوط تهاجمی روی محصولات دارند [۳۱]. در پژوهشی با عنوان «تجسم هنجارهای جنسیتی در طراحی» با استفاده از دوگانگی زیبایی‌شناسی، خواص و تفسیرات به صورت مردانه و زنانه کدگذاری شده است. محصولاتی که مدنظر زنان است، با شکل‌های نرم و رنگ‌های روشن مشخص می‌شوند [۲۸]. در پژوهش دیگری با عنوان «تأثیر طراحی برند بر روی برداشت جنسیتی و ترجیح برند» آمده است که: شکل لوگو بر جنسیت برند درک شده تأثیر می‌گذارد؛ به این نحو که یک لوگو یا آرم سنگین‌تر، برجسته و زاویه‌دار باعث تقویت مردانگی برند و آرم باریک و گرد باعث افزایش زنانگی برند می‌شود [۳۰]. بنابراین، مشاهده می‌شود که زنانگی با شکل گرد و فرم منحنی و سیال نسبت به شکل‌های زاویه‌دار و راست‌گوشه قرابت بیشتری دارد.



تصویر ۷. گنبد شکم‌دار خوش‌فرم مسجد جامع گوه‌رشاد مشهد [۸]



تصویر ۶. گنبد آوگون و رنگ غالب فیروزه‌ای آن [۳۴]

مؤلفه شکل؛ ظرافت بیش از حد و پیچیدگی نقش و نگارها

ساختار مردانه با عضله، قدرت، زبری و خشنی و ساختار زنانه با ظرافت، زینت و آراستگی ارزش گذاری می شود [۳۳]. برای اولین بار و به صورت مکتوب، نسبت های جنسیتی را در معماری می توان در توصیفات ویتروویوس از سه شیوه دوریک، یونیک و کرنتی جست و جو کرد. ویتروویوس شیوه دوریک را به پیکر مرد و شیوه های یونیک و کرنتی را به پیکر زن نسبت می داد [۱۷، ص ۱۶۸]. گیل^۱ نیز به تبعیت از ویتروویوس، ستون دوریک را مشتق شده از شکل مرد و یونیک را از شکل زن می دانست. نتیجه آن دو مجموعه از تناسب است؛ یکی دارای شخصیتی مردانه و بدون زینت، دیگری با ویژگی های نزدیک به تناسب پیکر یک زن؛ آراسته و ظریف [۳۳].

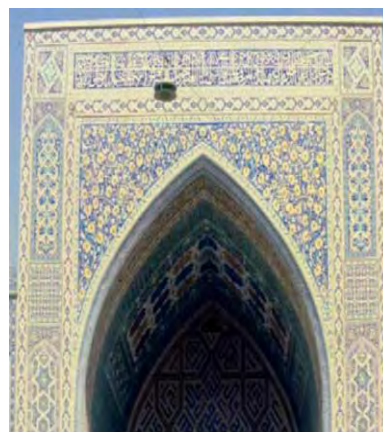
در سال ۱۹۱۴، در نشریه هنر و تزئین آلمانی [نیز] چنین عنوان شده بود که برمبنای فرضیه ای عمومی می توان انگیزش های تزئینی در معماری را ویژگی ای زنانه و انگیزش های مرتبط با ساختن را ویژگی ای مردانه به شمار آورد^۲ [۱۷، ص ۴۶]. بنابراین، مشاهده می شود که به صورت سنتی از دوران کلاسیک تا مدرن، تزئین در مقابل ساختار، مفهومی زنانه انگاشته شده است. مسجد گوهرشاد نیز در میانه آن بازه زمانی قرار دارد. در سه دهه آخر قرن بیستم، تلاش هایی به جهت گسست از چنین تقابل های دوگانه ای صورت گرفت؛ به شکلی که در دو سبک دیکانستراکشن و فولدینگ در معماری شاهد آن بودیم. برای نمونه در پروژه ای به نام سرنگونی برج سیرز اثر گرگ لین عمودگرایی، سلسله مراتب و عدم انعطاف پذیری به افقی گرایی، هم ترازوی و انعطاف پذیری تبدیل شد. یکی از اهداف چنین اقداماتی را می توان باژگون سازی مفاهیم عمدتاً مردانه و رؤیت پذیر کردن مفاهیم متقابل آن برشمرد.

1. Joseph Gwilt

۲. نکته ای که در اینجا لازم است به آن اشاره شود رفع اتهام از تنزل جایگاه تزئین- آن گونه که در دوره مدرن در اروپا باب بود- در پیوند با زنانگی است. «تزئین در هنر اسلامی برای بیان فضای قدسی است. اطلاق تزئینی بودن به هنر اسلامی از سوی شرق شناسان به دلیل عدم درک رمزهای تصویری است و به غلط تزئین را به معنای آرایه فریبنده مطرح کرده اند. زینت، که به عنوان یکی از پایه های تصویری هنر اسلامی ارزیابی شده است، وسیله یا بیانی است برای شرافت بخشیدن به سطح، رنگ، آجر، گل، گچ و کاشی تا به افق های برتر اعتلا یابند و رنگ و هویت معنایی بیابند و معنوی و الوهی شوند» [۷، ص ۱۷۸]. در هنر اسلامی، تزئین ابزاری نیرومند جهت نمایش و انتقال اندیشه ها و مفاهیم است. در پژوهش های معماری اسلامی، توجه به تزئینات وابسته به آن اهمیت ویژه ای دارد. معماری ایران در دوره تیموری به درجه ای ممتاز رسید. از نظر بسیاری از پژوهشگران بررسی معماری اسلامی می بایست با بررسی تزئینات آن همراه باشد، زیرا تزئینات جزء جدایی ناپذیر معماری اسلامی بوده و به نوبه خود سهمی بزرگ در ارتقای زیبایی و جلوه گری بناها ایفا کرده اند [۱۰].



تصویر ۹. مقرنس‌بندی انتهای ایوان مقصورة مسجد گوهرشاد مشهد [۸]



تصویر ۸. طاق‌نما سازی ایوان مسجد گوهرشاد مشهد [۸]

تصاویر ۸ و ۹: ظرافت و پیچیدگی نقش‌ونگارها در مسجد گوهرشاد مشهد. به نظر زمرشیدی مسجد گوهرشاد به الگویی برای مساجد پس از خود تبدیل شد [۸].

مؤلفه رنگ؛ رنگ غالب فیروزه‌ای گنبد و استفاده از رنگ‌های ملایم

روان‌شناسی تکاملی^۱ بر این عقیده است که فرایندهای روان‌شناختی که بر ترجیحات و رفتار تأثیر می‌گذارند، نتیجه تکامل با انتخاب است و ذهن انسان از طریق انتخاب طبیعی و جنسی تکامل یافته است. انگیزه‌های اصلی مانند حفاظت از خود در برابر آسیب فیزیکی و بیماری، جذب و حفظ شریک زندگی، وابستگی و وضعیت مراقبت از فرزندان بر روی ادراک، احساسات، شناخت و حافظه اثر می‌گذارد و ترجیحات و رفتار را شکل می‌دهد. روان‌شناسی تکاملی یک توضیح ساده برای ارتباط میان رنگ و جنسیت ارائه می‌دهد که در آن رنگ صورت به‌عنوان نشانگر مردانگی و زنانگی مطرح است؛ بدین شکل که زنان به علت سطوح بالاتر استروژن، بیشتر به پوست روشن یا کمرنگ متمایل‌اند. روان‌شناسی تکاملی اشاره می‌کند که هر دو مورد رنگ و روشنایی بر درک مردانگی/ زنانگی تأثیر می‌گذارد [۳۰].

تیلبورگ و همکارانش (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای که زیبایی‌شناسی طراحی و جنس محصولات را بررسی می‌کرد، دریافتند که تاریکی یا روشنی رنگ یک محصول یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های قوی جنسیت در نظر گرفته شده برای محصول است. روشنایی رنگ

1. Evolutionary psychology

(زمانی که رنگ ثابت باقی می ماند) در لوگوی نام تجاری (برند)، برداشته‌های جنسیتی برند را تحت تأثیر قرار می دهد؛ به طوری که رنگ‌های روشن ادراکات زنانگی نام تجاری را افزایش خواهند داد و رنگ‌های تیره درک مردانگی برند را افزایش می دهند [۲۷]. حتی اگر آبی در محصولات زنانه استفاده شود، رنگ‌های آبی ملایم و روشن یا ترکیب رنگ‌های سبک‌تر در ایجاد زنانگی ترجیح داده می شود [۳۱].

۱. رنگ آبی

معماری دوره تیموری به لحاظ کاربرد رنگ از نظر فنی و تنوع حیرت‌آور طرح و بافت در اوج خود است [۶]. رنگ بر تزئین تیموری غلبه یافته و به اوج تعالی فنی و طرح‌های متناسب می رسد. رنگ دوره تیموری، که از اشکال تجربی دوره ایلخانی حاصل شده بود، اصولاً سازشی از دو رنگ آبی بود [۲۵، ص ۱۷۳]. آبی جنبه‌های گوناگون روحی را نشان می دهد و در فکر و روح ما داخل می شود. آبی با روان آدمی پیوند می خورد و تا اعماق روح نفوذ می کند. آبی معنای ایمان می دهد و به فضای لایتناهی مربوط می شود و به فضای بالا اشاره می کند. آبی از نظر سمبلیک شبیه به آب آرام، خلق و خوی آرام، طبیعت زنانه و روشنی و درخشش است. آبی محیطی مناسب برای تفکر می سازد و ابدیت بی انتها را نشان می دهد [۱۹، ص ۳۴].

نقش و نگارهای گیاهی، اسلیمی، خط ثلث، نستعلیق و کاشی معرق رنگارنگ

معماری روح دارد و ماهیت آن چیزی بیش از موجودیتی حجم‌دار از طبیعت بی جان است. بنابراین، روح زنانه/ مردانه می تواند به منزله یکی از ابعاد مهم هویتی بنا در نظر گرفته شود. مؤلفه‌های دیگری از معماری دوره تیموری و مسجد گوهرشاد نیز وجود دارد؛ از جمله نقش و نگارهای گیاهی و اسلیمی، خط ثلث و نستعلیق و کاشی معرق رنگارنگ که نسبت به پنج مؤلفه بررسی شده به نظر می رسد ادله کمتری در راستای انتقال مفاهیم زنانه دارند و کمتر به آن‌ها پرداخته شده است، اما زمانی که سخن از روح حاکم بر بنا رانده می شود، این مؤلفه‌ها نیز در جهت تقویت مفاهیم زنانه و رسیدن به یک وحدت کلی ایفای نقش می کنند. به ویژه در مقایسه با گره‌های خشک هندسی و خطوط کوفی بنایی مورد استفاده در بناهای دوره‌های پیشین. به نحوی که گویی تکمیل کننده پازل معماری بنا از منظر موضوع مورد بحث‌اند. بررسی دقیق همراه با جزئیات مؤلفه‌های اخیر (عنوان شده در بخش ۳) مجال دیگری می طلبد.



تصویر ۱۰. [۸] تصویر ۱۱. [۸] تصویر ۱۲. [۲۰] تصویر ۱۳. [۲۰] تصاویر ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳. نمونه‌های از کاشی‌کاری‌های الوان مسجد گوهرشاد مشهد

در نهایت با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که به‌طور کلی شاهد غلبه روح زنانگی در مقایسه با روح مردانگی در بنای مسجد گوهرشاد مشهد هستیم.

شاخص‌های معماری با قابلیت خوانش‌های منطبق بر مفاهیم زنانه در دوره

تیموری و مسجد گوهرشاد

۱. عظمت‌یافتن ورودی‌ها و به دنبال آن کاستن از مرکزیت توجه به منار؛
۲. قوس نرم و فرم متفاوت و خلاقانه گنبد شکم‌دار (آوگون)؛
۳. ایوان مقصوره متفاوت و خلاقانه به اصطلاح سروته باریک؛
۴. ظرافت بیش از حد و پیچیدگی نقش‌ونگارها؛
۵. رنگ غالب فیروزه‌ای گنبد و استفاده از رنگ‌های ملایم؛
۶. افزایش استفاده از نقش‌ونگارهای گیاهی و اسلیمی همراه خط ثلث و نستعلیق؛
۷. استفاده از کاشی‌کاری الوان و چندرنگ؛

بحث

در مبحث مرتبط با تقابل‌های دوگانه که از یونان باستان تا دوران معاصر همواره بر هنر و فلسفه (به‌ویژه فلسفه غرب) اثرگذار بوده‌اند، نرمی (در مقابل سختی)، انحنای (در مقابل راست‌گوشگی)، طبیعت (در مقابل فرهنگ)، ظرافت (در مقابل زمختی) و... به‌طور کلی از بعد جنسیتی با تداعی‌گری‌های بیشتری از زنانگی همراه بوده‌اند. در ادامه حضور مفاهیم جنسیتی در بنا، با رویکردهای مختلف می‌توان انتقاداتی به معماری در راستای ستایش یا رد ارزش‌های زنانه وارد

کرد، اما آنچه حائز اهمیت است مطرح شدن سویه‌های متنوع در زمینه جنسیت و تلاش برای رسیدن به سنتزی از کانال تئوری، در ابتدا به منظور کنار نهادن سلسله‌مراتب‌های ارزشی شکل گرفته (در اولویت بودن مفاهیم مردانه و شاخص‌های مردانگی) و سپس عینیت‌بخشیدن آن در عالم واقعیت به کمک هنر معماری است؛ به‌طور کلی کشف، بازخوانی و بررسی ویژگی‌های بصری زنانه می‌تواند در نهایت در جهت گسست از محروم‌سازی‌های مرتبط با آن و همچنین در جهت ارزش‌گذاری مجدد در این گفتمان صورت بگیرد.

در ادامه لازم است به نکته دیگری نیز اشاره شود. بیشتر اسامی جزئیات و تزئینات عناصر معماری ایرانی یا زنانه‌اند یا در ارتباط با زنانگی‌اند؛ از جمله سُر مه‌دان، لچکی، گل‌نو، گلدسته، ترمه، ترنج، افشان، پیچک، پرک، شاپرک، طره و... زن و زنانگی به صورت آشکار و نهان، مستقیم و غیرمستقیم، همواره الهام‌بخش آفرینش هنری، تزئینات و ظرافت در هنر و معماری بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

ارزش‌های بصری شکل گرفته بیانگر باورها و اندیشه‌های متولد شده و رشد یافته از یک فرهنگ تکاملی، طی زمان و نسل‌های پی‌درپی است. زنانگی و مفاهیم زنانه نیز جزئی از این روند تکاملی‌اند. در بررسی مسجد گوهرشاد، که یکی از شاهکارهای معماری ایران به حساب می‌آید، شاید اولین موضوعی که توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند نام آن، حضور بانوی ناظر زن در آن است. همچنین حضور درخور توجه رنگ و تزئینات، کاشی‌معرق رنگارنگ، طرح‌های منحنی‌الخطوط و گل‌وبوته و... در مسجد گوهرشاد در مقایسه با مساجد قبل‌تر از خود در حوزه ایران کنونی از کیفیت‌های بصری مرتبط با مفاهیم زنانه به حساب می‌آید که در کنار دیگر معیارها و اتفاقات تاریخی آن دوران نقشی مؤثر در تقویت شاخص‌های زنانگی ایفا کرده است. براساس مباحث مطرح شده در این پژوهش، فرم خلاقانه گنبد و ایوان مقصوره، رنگ‌های ملایم و آبی‌فیروزه‌ای و به‌طور کلی تزئین در مسجد گوهرشاد انطباق بیشتری بر معیارهای مرتبط با زنانگی دارد. نمونه‌های موردی دیگری در معماری خلاقانه دوره تیموری وجود دارد که بررسی آن‌ها نیز از این منظر می‌تواند راهگشا باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در مسجد گوهرشاد از دلالت‌های بصری مرتبط با مفاهیم مردانه به نفع زنانگی کاسته شده است که یکی از دلایل مهم این موضوع می‌تواند حضور پررنگ زنان در عرصه سیاست و معماری باشد که سرآمد آن‌ها گوهرشاد آغا بود.^۱

در آخر یک بار دیگر با کریستین دورهوفر برسر اهمیت معانی ضمنی جنسیتی به‌عنوان موضوعی فراسبکی و غیرمقطعی هم‌رأی و همراه می‌شویم که از زمان اهرام مصر تاکنون، مجموعه‌ای واحد از ارزش‌های فلسفی را در شکل‌هایی هرچه بدیع‌تر انتقال داده و نمادهای

۱. جمع‌بندی مباحث عنوان شده در این پژوهش در نمودار ۲ و ۳ ارائه شده است.

رمزآلود و معانی ضمنی جنسیتی را حفظ کرده‌اند و پنهان نگاه می‌دارند، بنابراین همیشه مجال برای کشف و بازخوانی این مفاهیم وجود دارد.



نمودار ۲. ویژگی‌ها و اتفاقات اجتماعی-دینی-حکومتی در دوره تیموری مؤثر بر تولید مفاهیم زنانه



نمودار ۳. تغییر کیفیتها و شاخصهای بصری معماری با قابلیت انطباق بیشتر بر مفاهیم و ویژگیهای زنانه

منابع

- [۱] آزادی‌ور، هوشنگ (۱۳۷۹). *بدیهه‌سازی: شیوه بیان هنری در ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- [۲] اسماعیل‌علام، نعمت (۱۳۸۲). *هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی*، ترجمه عباسعلی تفضلی، مشهد: به‌نشر.
- [۳] پورمیزاب، منصور (۱۳۹۲). «زیبایی‌شناسی تزئین در دوره تیموری»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی *هنرهای تجسمی*، نقش‌مایه، دوره ۷، ش ۱۷، ص ۳۷-۴۵.
- [۴] ترلیندن، اولا (۱۳۹۴). *شهر و جنسیت: گفتمان بین‌المللی درباره جنسیت*، ترجمه مینوش صدوقیان زاده، تهران: کلاغ.
- [۵] جوادی، شهره (۱۳۸۵). «بررسی جایگاه هنر دوره صفوی»، *ماهنامه باغ نظر*، دوره ۳، ش ۵، ص ۱۸-۶.
- [۶] خزایی، محمد (۱۳۸۸). «ساختار و نقش‌مایه‌های مدارس دوران تیموری در خطه خراسان»، *دوفصل‌نامه علمی- پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، دوره ۶، ش ۱۱، ص ۷۸-۵۹.
- [۷] رهنورد، زهرا (۱۳۷۸). *حکمت هنر اسلامی*، تهران: سمت.
- [۸] زمرشیدی، حسین (۱۳۹۰). «مسجد بی‌نظیر جامع گوهرشاد و هنرهای قدسی معماری»، *فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی، اسلامی*، تهران، دوره ۲، ش ۶، ص ۱۷-۳۲.
- [۹] سوچک و همکاران (۱۳۸۶). *هنر و ادب ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- [۱۰] شاطری، میترا؛ احمدی، عباسعلی؛ صالحی‌کیا، مریم (۱۳۹۵). «تزئینات سفال لعابدار نقش‌برجسته در آرامگاه‌های تیموری مجموعه شاه‌زند سمرقند»، *همایش ملی باستان‌شناسی و هنر سفال و سفالگری*.
- [۱۱] شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۴). *هنر شیعی: عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان*، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- [۱۲] _____ (۱۳۸۸). «نقش زنان بانی در گسترش معماری عصر تیموری و صفوی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، دوره ۱۰، ش ۶، ص ۹۹-۶۹.
- [۱۳] _____ (۱۳۸۹). «بررسی تزئینات و کتیبه‌های قرآنی دو مجموعه گوهرشاد مشهد و هرات»، *دوفصل‌نامه مطالعات هنر اسلامی*، دوره ۶، ش ۱۲، ص ۹۸-۷۳.
- [۱۴] فدائیان، مجید (۱۳۸۵). *هرات دیروز، امروز، فردا*، ترجمه مریم بهرامیان، تهران: وزارت امور خارجه.
- [۱۵] فقیری، امین (۱۳۸۶). *قوام‌الدین شیرازی*، تهران: مدرسه.
- [۱۶] کمبریج (۱۳۸۲). *تاریخ ایران دوره تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- [۱۷] کولمان، دورته (۱۳۹۶). *فضا، قدرت، تمایز: مطالعات جنسیت در معماری*، ترجمه نصیر زرین‌پناه، تهران: نظر.
- [۱۸] کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۴). *پایتخت‌های ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- [۱۹] مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد (۱۳۸۰)، ج اول، تهران: دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی.

- [۲۰] محمدزاده، نیلوفر؛ میرزا کوچک خوشنویس، احمد (۲۰۱۵). «تأثیر احساس زنانه بر شکل‌گیری طراحی معماری: نمونه مورد مطالعه مسجد گوهرشاد آغا»، اولین کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، مهندسی عمران و شهر، ایران، تبریز.
- [۲۱] مردای، زینب؛ صالحی، علی (۱۳۸۸). «تأثیر زنان در معماری ایرانی: نمونه موردی گوهرشاد آغا و معماری دوران تیموری»، همایش ملی زن و معماری، تهران.
- [۲۲] مصدقیان، وحیده (۱۳۸۴). نقش و رنگ در مسجد گوهرشاد، تهران: کتاب آبان.
- [۲۳] میرجعفری، حسین (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت.
- [۲۴] نجیب‌اوغلو، گل رو (۱۳۷۹). هندسه و تزئین در معماری اسلامی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه.
- [۲۵] ویلبر، دونالد؛ گلمبک، لیزا (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: میراث فرهنگی.
- [26] Betsky, Aaron (1995). *Building Sex: Men, Women, Architecture, and the Construction of Sexuality*. New York: William Morrow, Edition: 1st ed.
- [27] Browne, Kathleen (2017). "Effectively communicating masculine and feminine brand personality traits using brand logo designs". Presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of science (Administration) at Concordia University, Montreal, Quebec, Canada.
- [28] Ehrnberger, K. Rasanen, M., & Iisted, S. (2012). "Visualising gender norms in design: Meet the mega hurricane mixer and the drill dolphia". *Journal of Design*, 6(3), PP 85-98.
- [29] Godele De Caluwe, (2016). *The feminist critique of architecture. Learning from Denise Scott Brown and Frances Bradshaw*. Faces de Eva. Estudos sobre a Mulher no. 36 Lisboa dez.
- [30] Lieven, Theo., Landwehr, Jan, R (2015). "The effect of brand design on brand gender perceptions and preference", *European Journal of Marketing*.
- [31] Oudshoorn, N., Saetnan, A. R., & Lie, M. (2002). "On gender and things: Reflections on an exhibition on gendered artifacts". In *women's studies international forum*, Vol. 25, No. 4, PP 471-483.
- [32] Raluca Livia Niculae (2014). "Gender Analogies in Architecture", *Journal of Research in Gender Studies*, Volume 4(1), PP 474-490. Taylor.
- [33] Mark (2001). "Measure: Masculinity, Proportion and the Architecture of the Ancients Proceedings Mathematics and Design: The Third International Conference, Deakin University, PP 404-414.
- [34] <http://fa.mobile.wikishia.net>
- [35] <http://khorasan.iqna.ir/fa/news/2646921>

دسترسی در ۱۳۹۸/۶/۱۱

دسترسی در ۱۳۹۸/۶/۱۱.